



اكادميسين شرعى جوزجانى

از خاطرات زندگى سياسى من

---

40 سال قبل

تشكيل گروه هنرى «ظفر»»



## اجرای یک آهنگ و رقص فولکلوری: رشیده ژاله و دختران آوازخوان

با پیروزی انقلاب ثور یک نوع نهضت فرهنگی به خصوص در ساحه موسیقی و هنر آغاز یافته بود. برخی از وزارتخانه‌ها از جمله وزارت ترانسپورت، وزارت زراعت و وزارت عدلیه درین راه پیشقدم بودند، موسسات اجتماعی دیگر بخصوص سازمان زنان و سازمان جوانان نیز درین ساحه گامهای استوار برمیداشتند.

انسامبل «انصاف» که به اشتراک علاقمندان موسیقی از کارمندان عدلیه تشکیل شده بود در مدت کم شهرت فراوان یافت و خوانندگان آن بخصوص یک دختر جسور هزاره بنام پروین با اجرای آهنگ مشهور هندی) کبھی کبھی (با شعر فارسی) گھی گھی به برم ای نگار می آیی (آنچنان مورد توجه علاقمندان موسیقی قرار گرفت که به تکرار از رادیو و تلویزیون نشر میشد.

برادر کم سواد او به سائقه تمایلات مذهبی به تحریک عناصر زن ستیز او را از خواندن منع میکند و چون خواست برادر را نمی پذیرد، با عصبانیت خواهر خود را به شدت لت و کوب مینماید. چند روز بعد که دختر بادیست و روی پندیده برای اجرای پروگرام آمد، وضعیتش خیلی خراب بود اما حاضر نبود قیود برادرش را بپذیرد. خیر لت و کوب او به مقام رهبری دولت نیز رسیده بود. درین زمینه از من معلومات خواسته شد و او به مثابه یک دختر پیشگام در راه آزادی زنان از قیود فیودالی تشویق گردید و با اهدای یک قاب ساعت دستی گرانبها مورد حمایه و تقدیر قرار گرفت.

برادرش بالاخره به مصالحه تن درداد اما خواهش کرد تا در وقت اجرای آهنگ در سایه استاده شود و طوری در صف قرار بگیرد که دقیقاً شناخته نشود، زیرا رفقاییش به او کتره و کنایه میزنند. بعد از آن

دختر هنگام خواندن این نکته را رعایت میکرد. این آهنگ او خیلی معروف است و تا کنون هم از طریق رسانه ها به نشر میرسد.

نهضت فرهنگی فراگیر بود. گروههای ترانه خوانان در لیسسه ها تشکیل میشد و برنامه های جالب میهنی در تلویزیون اجرا میکردند. برخی از اعضای هیئت رهبری دولت نیز درین راه پیشگام بودند.

چندی بعد در آستانه پیروزی انقلاب ثور برطبق رهنمودهای فرمان شماره چهارم در زمینه حقوق فرهنگی ملیتهای افغانستان، به منظور ترویج و انکشاف فرهنگ اوزبیک امر تشکیل یک انسامبل هنری را به نام گروه «ظفر» در تشکیل ریاست افغان موزیک رادیو تلویزیون افغانستان از رهبری دولت گرفتم. در انسامبل «ظفر» که با ادغام گروه هنری «گلشن» سرپل به وجود آمد، خوانندگان و نوازندگان پر استعدادی چون ملا تاج محمد آوازخوان، صدرالدین انتظار خواننده و کمپوزیتور، شفیع عظیمی نوازنده، محمد صابر عندلیب خواننده و نوازنده، شکرالله نی نواز از سرپل، فضل الحق یولچی از اندخوی، کاظم امینی آوازخوان و کمپوزیتور، عبدالاحد سحر آوازخوان، داکتر درمان خواننده و نوازنده و وحید امید از میمنه، عبدالرشید اکه دوتار نواز مشهور، همایون منصور، رشیده ژاله، مولوده، نجیبه منصور و لطافت از کابل اشتراک داشتند و به رهبری شفیع عظیمی کار میکردند.

همچنان از اندخوی سبزه گل فولکلور خوان و همسرش فیض محمد که یک رقص چیره دست و دنبوره نواز ماهر بود با انسامبل همکاری داشتند.

دریک کنسرت مشترکی که به اشتراک گروه های هنری تمام ولایات افغانستان در تالار خانه خلق (ارگ) در حضور تیره کی و تمام اعضای رهبری و کدرهای حزبی و دولتی به شکل مسابقه دایر شده بود، فیض محمد دنبوره چی با رقص هنرمندانه خود که دوخت کلمه «خلق» را روی یک دستمال در جریان رقص توسط یک دختر تمثیل میکرد، تمام حاضرین را به تحسین واداشت و گروه ظفر مقام اول را صاحب شد.

درین مسابقه گروه هنری 20 نفری نورستان که دستهارا بهمديگر بسته یک رقص فولکلوری دشوار را به شیوه حیرت انگیز با آهنگ یک توله و یک زیر بغلی اجرا میکردند، در مقام دوم قرار گرفت. رقص نورستانی ازین جهت حیرت انگیز بود که 20 نفر دستها را به شانه های همديگر گذاشته به مثابه یک تن واحد در کمال هماهنگی با ریتمهای موسیقی حرکات رقص را اجرا میکردند.

رفیق ما مرحوم سلام خان تاشقورغانی ولسوال علیشینگ بما گفت بعضا اتفاق افتاده که هنگام اجرای این رقص برسر بام با سقوط یک نفر تمام گروه از بام بر زمین افتاده اند، چونکه نمیتوانستند دستها را از هم جدا کنند.

بدخشان با مهارت و حرکات موزون و جالب یک دایره نواز پیر ظریف خود که مورد علاقه شدید تیره کی قرار گرفت مقام سوم را به دست آورد. هنرمندان سایر ولایات نیز به اشکال گوناگون مورد تشویق و ترغیب قرار گرفتند.

روشنفکران سرپل طور دایمی به گروه هنری ظفر مساعدت میکردند و در رأس این فعالیتها هنری شادروان عبد الستار گلشنی قرارداشت. آنها یک گروه 12 نفری دختران و پسران داوطلب آواز خوان را که چند تن از اقارب نزدیک ما نیز معیت آنها راداشتند، با لباس مقبول بنفشی رنگ به کابل فرستادند.

وزارت تعلیم و تربیه در کلوپ معارف در چمن که حیثیت مهمانخانه را پیدا کرده بود، برای آنها محل رهایش و غذای کافی و ترانسپورت تهیه کرد. آنها با گروه ظفر مشق میکردند و بهترین سرود هارا آماده ثبت و نشر میساختند. یکی از آنها کورس « یار یار » خیلی زیبا و شنیدنی است.

ملاتاج محمد و صدرالدین انتظار دو گل سر سبد انسامل ظفر بودند. انتظار با تصنیف سرود و کمپوز آهنگها و ملاتاج محمد با اجرای آنها گروه را به جلو میبردند و جوانان را به عقب خود میکشاندند.

یکی از دست آوردهای ماندگار این دو هنرمند کمپوز آهنگ یک غزل تراژیک نادره بیگم همسر عمرخان امیر خوقند توسط انتظار و اجرای موفقانه آن توسط ملاتاج محمد است. درین آهنگ درد و آلام جانگداز مادری که از شوهر تاجدار خود جدا شده و جانشین او پسر جوانش توسط شاه بخارا به قتل رسیده، عمیقا احساس میشود و آواز دردآلود ملا، ناله های حزین دل او را انعکاس میدهد. من چند کمپوز دیگر این غزل را نیز شنیده بودم، ولی هیچ کدام به پایه آن نمیرسد. مطلع آن چنین است:

«عشق او بین آباد قیلدیم بوزدی هجران عاقبت»

« سیل غمدین بو عمارت بولدی ویران عاقبت»

(یعنی): تازه خانه عشق را آباد کرده بودم که دست هجران خرابش کرد و سر انجام سیل غم و اندوه این بنارا منهدم ساخت.

سرود «افغانستان افغانستان» که شعر و آهنگش از انتظار است، با اجرای ملا، جان میگیرد و مورد قبول همگانی می یابد.

کمپوزهای انتظار محدود به موسیقی اوزبیک نماند و بزبانهای دیگر هم راه یافت.

کنسرتی که بعدا توسط گروه هنری ظفر در تالار بزرگ رادیو افغانستان به گویندگی نطق مشهور ذکیه کهزاد اجرا شد، از دست آوردهای بزرگ انسامل است که در تاریخ هنر تورکان افغانستان سابقه ندارد.

با وجود موانعی که از طرف برخی عناصر تنگ نظر در راه ثبت آهنگهای گروه ایجاد میشد و به مساعدت ما از بین میرفت، گروه ظفر توانست به ثبت و اجرای آهنگهای خود دوام بدهد. فعالیت گروه ظفر تحت نظارت و حمایت شخص خودم قرار داشت، در غیر آن رقابت و حسادت برخی عناصر متعصب در برابر فعالیت آزاد آنها بخصوص در استفاده از استدیوها و ثبت آهنگها مشکلات ایجاد میکردند.

استاد محمد کاظم امینی که مراحل مختلف حیات فرهنگی تورکان افغانستان (اوزبیک و تورکمن) را با تمام نشیب و فرازهای آن به صورت پیگیر طی مقالات پژوهشی خود به تصویر میکشد، مقاله جامعی زیر عنوان «گروه ظفر» در وبلاک بولوت به نشر رسانده، در زمینه تأسیس و دوام فعالیت این انسامل هنری با ذکر تمام جزئیات آن به شمول نوازندگان و سراینندگان زن و مرد روشنی می اندازد. او که خود تا سال 1366 از اعضای فعال گروه بوده و به صفت آهگساز و خواننده با آن همکاری داشته و 20 سرود رادیویی و 4 آهنگ تلویزیونی ثبت شده دارد، ضمن این مقاله و مقالات دیگر خود به حیث شاهد زنده عوامل عروج و نزول هفته نامه «یولدوز» و انسامل هنری «ظفر» را در طی مدت 36 سال پس

از آغاز مرحله آغازین این نهضت در سال 1357، واقعینانه مورد ارزیابی قرار داده است. علاقمندان میتوانند این مقاله را در وبلاک «بولوت» که توسط الماس بیانی نشر میشود بخوانند.

او مینویسد:

«در سال 1978 در نتیجه یک تحول بزرگ سیاسی به مقیاس کشور، در حیات فرهنگی خلق اوزبیک یک تجدید و حرکت به وجود آمد. رسمیت یافتن زبان اوزبیک در قنار سایر زبانها، توجه و اهتمام به آن در مطبوعات و وسایل اطلاعات جمعی، عملی ساختن برنامه های تدریس زبان به فرزندان این خلق و همچنان یک مقدار اهتمام به حیات مدنی و اجتماعی مردم ما همه دلالت به این دارد که یک فرصت مساعد بدست آمده بود.»

استاد امینی مینویسد 1978 «: میلادی (1357) با پیروزی انقلاب در کشور ما حیات فرهنگی خلق تورک اوزبیک به شگفتن آغاز کرد، مردمی که از حقوق طبیعی خود محروم ساخته شده بودند، برای احیای زبان، فرهنگ و تاریخ خود مجال یافتند، به تشبث عناصر ملیت پرور که در صفوف ح د خ ا قرار داشتند، برای اولین بار در رادیو -تلویزیون افغانستان گروه هنری» ظفر «تأسیس گردید. تشبث اساسی برای تشکیل این گروه هنری از طرف یک عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وزیر عدلیه جمهوری دموکراتیک افغانستان شرعی جوزجانی به عمل آمد.»

امینی می نویسد «: دوران فعالیت ایجاد گروه سالهای 57 و 58 بود... گروه ظفر توانست طی دوران فعالیت 17 ساله خود در حدود 300-200 آهنگ اوزبیک و تورکمنی به کمک کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان ثبت کند... در دوران حاکمیت طالبان (1381 - 1375) یک قسمت زیاد سرودهای اوزبیک از بین برده شد... هزاران افسوس که 36 سال قبل ازین در نتیجه تشبث بزرگان ما که تفکر و احساس ملی داشتند در تشکیلات رادیو تلویزیون افغانستان خلقهای اوزبیک و تورکمن به چنین موفقتی های بزرگ دست یافتند، اما در نتیجه خرابی اوضاع به جای آنکه این دست آوردها را به پیش ببرند، به مرور زمان آنها را از دست دادند.»

استاد امینی ادامه میدهد «: بعد از انتقال قدرت دولتی از حزب خلق به پرچم، عده ای از اعضای رهبری حزب خلق کشته شدند و یک بخش بزرگ آنان زندانی ساخته شدند که عبدالحکیم شرعی جوزجانی هم شامل این دسته بود. با عزل و زندانی ساختن این شخص انسامل» ظفر «در حقیقت حامی بزرگ خود را از دست داد و سپس اعضای این گروه به خدمات عسکری جلب شده، فعالیتهای هنری خود را در حلقه این گروه توقف دادند.»

خیرمحمد چاووش و برادرش داوود چاووش از همکاران فعال گروه بودند. خیرمحمد بعدا تحصیلات خود را در رشته موسیقی و زبان اوزبیک در دانش سراهای عالی اوزبیکستان به سر رسانید، با برادر خود به صفت ادامه دهندگان راه ظفر به فعالیت هنری خود ادامه داده و با مساعی پیگیر سنن موسیقی تورکان کشور را احیا میکند و با ایجاد آهنگهای نو به غنای آن می افزاید.

یادآوری:

سخنان استاد امینی از مقاله شان که با عنوان «ظفر گروهی «در وبلاک» بولوت» در سال 1392 بزبان اوزبیک نشر شده بود، به فارسی ترجمه شد.

---

عکسهای مربوط مقاله:



اجرای آهنگ فولکلوری مشهور «یار یار» توسط گروه دختران و پسران آوازخوان سرپل



كاظم امينى خواننده و آهنگساز



صدرالدين انتظار خواننده و آهنگساز





داکتر درمان خواننده و نوازنده



شاد روان ملاتاج محمد سراینده مشهور